



شپږه شکاره علوم انسانۍ و مطالعات فرهنجۍ
پرتال جامع علوم انسانۍ

واکاوی تحولات کالبدی و کارکردی مسکن روستایی ایران

(نمونه موردی: ناحیه شاسکوه - شهرستان قاینات)

مفید شاطری*، محمد حجی پور**، پریسا آقاجانیپور***

۱۳۹۰/۱۱/۲۱

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۹۴/۰۶/۱۸

تاریخ پذیرش مقاله:

چکیده

در رأس اهداف و استراتژی‌های توسعه روستایی، برآورده ساختن نیازهای اساسی انسان قرار دارد. مسکن از جمله این نیازها است که تغییر و تحول در آن از یک سو مبین اوضاع اجتماعی - فرهنگی، اعتقادات مذهبی، شرایط و میزان درآمد یا به بیان کلی‌تر، سطح توسعه جامعه است و از سوی دیگر نیز عاملی موثر در پایداری یا ناپایداری سکونتگاه‌های روستایی و سرانجام تفوق در فرایند توسعه روستایی به‌شمار می‌آید. از این رو با توجه به ارتباط عمیق میان مسکن و فرایند توسعه در سکونتگاه‌های روستایی، مطالعه تحولات ساختاری و کارکردی این مسکن از اهمیتی بنیادی برخوردار است. در پی زلزله ۱۳۷۶ در بخش زیرکوه شهرستان قاینات، مسکن و بافت سنتی بسیاری از کانون‌های روستایی هم چون دهستان شاسکوه دچار آسیب و تخریب جدی شد که پس از آن ساکنان محلی و سازمان‌های متولی منطقه‌ای به بازسازی و مرمت آن پرداختند. هدف مقاله حاضر واکاوی تغییرات کالبدی و تحولات الگوی کارکردی مسکن روستایی در منطقه مذکور می‌باشد. این مقاله کاربردی توسعه‌ای و از حیث ماهیت توصیفی - تحلیلی و ژرفانگرانه بوده است. روش تحقیق آن، ترکیبی از روش‌های اسنادی و میدانی می‌باشد. حجم نمونه تحقیق با کمک فرمول کوکران ۲۹۴ خانوار تعیین و از روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب و مورد پرسش‌گری واقع شدند. به‌منظور آنالیز داده‌ها نیز از نرم‌افزار SPSS و آزمون T نمونه‌های وابسته استفاده شده است. نتایج کلی نشان می‌دهد که به‌لحاظ شاخص‌های کالبدی مسکن روستایی نسبت به گذشته تغییر معناداری نیافته‌اند و در برخی موارد نیز نشانه‌هایی از کاهش ابعاد فیزیکی مسکن را می‌توان یافت. به‌لحاظ کارکردی، هم‌چون گذشته، الگوی حاکم زیستی، معیشتی و تدارکاتی می‌باشد که در میان فضاهای یاد شده، فضاهای با کارکرد زیستی در هر دو دوره زمانی قبل و بعد از زلزله بیشترین درصد از فضای مسکن روستایی را به خود اختصاص داده است.

واژگان کلیدی: واژگان کلیدی: تغییر کالبدی، تحول کارکردی، مسکن روستایی، دهستان شاسکوه، شهرستان قاینات.

* استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه بیرجند. mshateri@birjand.ac.ir

** دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی.

*** کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی.

مقدمه

پس از پیدایش انسان بر روی زمین، او همواره در پی تغییر و تحول در شرایط زندگی خود جهت دستیابی به وضعیت مطلوب و ایده‌آل بوده که می‌توان از آن به‌عنوان توسعه یاد کرد و امروزه می‌توان آن را سرآمد اهداف حیات مادی و معنوی بشر دانست. در راستای نیل به توسعه، در اولین گام تأمین حداقل نیازهای اساسی^۱ مطرح نظر می‌باشد (جمعه‌پور، ۱۳۸۷: ۸۹). تأمین مسکن از جمله این نیازهای اساسی است که از دیرباز مهم‌ترین دغدغه بشر بوده تا جایی که پیوسته اجتماعات انسانی را به چالش کشانده و تغییر و تحولاتی در ابعاد گوناگون آن ایجاد نموده است (سرتیپی‌پور، ۱۳۸۸: ۱).

اهمیت مقوله مسکن به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی (بهرامی، ۱۳۹۰: ۹۶) سبب گردید تا در نظام برنامه‌ریزی کشور، فصل ویژه‌ای به تأمین، تجهیز و بهبود آن اختصاص یابد و با توجه به این که بخش قابل ملاحظه‌ای از جمعیت کشور (۳۲ درصد) همواره در سکونتگاه‌های روستایی زیسته‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵)، نهادهایی هم چون بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در چهارچوب برنامه‌ریزی توسعه کالبدی، متولی انجام بهسازی و نوسازی مسکن در فضاهای روستایی گردند (آسایش، ۱۳۸۶: ۱۴۷).

در نظام روستایی، کار، معیشت و سکونت تداخل گسترده‌ای دارد. اصولاً زندگی روستایی برخلاف زندگی شهری براساس تفکیک زمانی فعالیت‌ها سازمان نیافته است و سکونت و کار، زمان‌های متداخلی دارد (توکلی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۵). به این ترتیب مساکن روستایی برخلاف مساکن شهری و با توجه به نقشی که در اقتصاد روستایی ایفا می‌نماید، از کارکردهای چندگانه‌ای برخوردار است. این کارکردها تأثیرات فراوانی بر عرصه‌های زیستی گذاشته به‌طوری که مساکن به‌صورت

عرصه‌های فعالیتی مطرح هستند و محل و مکان زندگی و فعالیت اقتصادی محسوب می‌شود. به بیان دیگر، مسکن در روستا نه فقط محل زندگی است بلکه از لحاظ تولید و اشتغال برای خانواده روستایی نیز حایز اهمیت است. چنین عملکردی می‌تواند مسکن را به‌عنوان یکی از اهرم‌های توسعه اقتصادی در خدمت تولید قرار دهد (سعیدی و امینی، ۱۳۸۹: ۳۱؛ عنابستانی، ۱۳۹۰: ۱۰۲).

با توجه به انطباق الگوی سنتی مسکن در مناطق روستایی با شرایط اقلیمی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن (توکلی و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۹؛ سرتیپی‌پور، ۱۳۹۰: ۳)، از سوی دیگر نقش بنیادی مساکن در توسعه فضاهای روستایی، به‌طور حتم تغییر و یا فروپاشی الگوهای سنتی تبعات بسیاری بر توسعه روستایی خواهد داشت. با بررسی تغییرات این امکان فراهم می‌شود تا برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در فرایند برنامه‌سازی، هم به شناخت و نیازهای امروز دست یابند و هم به‌منظور توفیق در اهداف آتی، به گونه‌ای عقلانی با موانع احتمالی برخورد شود (بدری و موسوی، ۱۳۸۹: ۱). از طرف دیگر بررسی روند تغییرات مسکن به‌عنوان شاخصه‌ای متأثر از شرایط اجتماعی، فرهنگی و به‌ویژه اقتصادی خانوار، هم بازگو کننده سطح رفاه و توسعه در کوچک‌ترین بخش از نهاد اجتماعی (خانواده) و هم بازنمایی از نوع گرایش خانوارها به ساختار فضاهای سکونتی خود به‌لحاظ کارکردی خواهد بود.

در پی زلزله سال ۱۳۷۶، مساکن و بافت سنتی بسیاری از سکونتگاه‌های روستایی بخش زیرکوه شهرستان قائنات در استان خراسان جنوبی مانند دهستان شاسکوه دچار آسیب جدی و تخریب شد که پس از آن برنامه‌ریزی‌هایی از قبیل جابه‌جایی روستاها، ادغام، بازسازی و تعمیر بناهای آسیب‌دیده در کانون‌های سکونتی توسط ساکنان محلی و سازمان‌های متولی منطقه‌ای آغاز گردید. هدف

از دیدگاه انسان‌شناختی نوعی "فرهنگ" است (فاضلی، ۱۳۸۶: ۶۳؛ 1: Dix, 1985). در بیان انتزاعی، مسکن عبارت است از مجموعه‌ای از تسهیلات به منظور ارائه خدمات فشرده در یک مکان که با توجه به شرایط اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی تغییر می‌کند (مخبر، ۱۳۶۳: ۸) یا به تعبیر دیگر، فضایی که بتواند زمینه لازم برای رشد فردی و جمعی هر یک از افراد خانوار را فراهم کند به نحوی که آن‌ها بتوانند بر حسب نیازهای روحی و روانی خود و نوع فعالیت مورد نظر، حریم لازم را بیابند (صمیمی و همکاران، ۱۳۸۶: ۵۲).

امروزه مفهوم مسکن و انتظارات مرتبط با آن دچار تحولی بنیادی گردیده به طوری که طبق تعریف دومین اجلاس اسکان بشر (۱۹۹۶) و بسیاری از صاحب‌نظران، سرپناه مناسب تنها به معنای وجود یک سقف بالای سر هر شخص نیست، مسکن مناسب یعنی آسایش مناسب، فضای مناسب، دسترسی فیزیکی و امنیت مناسب، امنیت مالکیت، پایداری و دوام سازه‌ای، روشنایی، تهویه و سیستم گرمایی مناسب، زیرساخت‌های اولیه مناسب از قبیل آبرسانی، بهداشت و آموزش، دفع زباله، کیفیت مناسب زیست محیطی، عوامل بهداشتی مناسب، مکان مناسب و قابل دسترسی از نظر کار و تسهیلات اولیه است که همه این موارد باید با توجه به استطاعت مردم تأمین شود (دلال پورمحمدی، ۱۳۷۹: ۳؛ 35: Knapp, 1982).

یکی از موضوعات مهم، توسعه مسکن در مناطق روستایی بوده که به شدت مورد بحث است (207: Gallent, 2009). مسکن روستایی دارای تفاوت‌های بنیادی و اساسی با مسکن شهری است (153: Ashok k et al, 1992) که آن آمیختگی معیشت با کالبد واحد مسکونی است (سرتیبی پور، ۱۳۸۸: ۲۴). در واقع مسکن در جامعه روستایی علاوه بر آن که مأوی مطمئنی برای سکونت است، بخشی از فضای ضروری

اصلی این مقاله بررسی و واکاوی تغییرات کالبدی و تحولات الگوی کارکردی مسکن در مناطق روستایی دهستان شاسکوه نسبت به قبل از زلزله است. در این راستا دو پرسش اساسی مطرح است: اول، "خصوصیات کالبدی مسکن روستایی نسبت به قبل از زلزله چه تغییری یافته است؟" و دوم این که "الگوی کارکردی مسکن روستایی نسبت به قبل از زلزله چه تحولی نموده است؟"

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

همواره موانع و چالش‌های متعددی فراروی توسعه کشورهای جهان سوم و در حال توسعه بوده که از جمله آن می‌توان به مسائلی نظیر تهیه مسکن، اشتغال، محیط زیست و انرژی پایدار اشاره داشت. در این میان سرپناه مناسب به دلیل وجود نیازهای اولیه خانوار یا فرد در آن، اهمیت بسزایی دارد که آن را به مسئله‌ای جهانی مبدل ساخته است (اهری، ۱۳۶۷: ۷؛ Gallent & Tewdwr, 2003: 15؛ Jones, 2003: 1؛ Milbourne & Cloke, 2006).

مسکن به‌عنوان کوچک‌ترین شکل تجسم کالبدی که رابطه متقابل انسان و محیط در آن تبلور یافته (رهنمایی، ۱۳۸۲: ۸)، همواره تحت تأثیر عوامل بازدارنده اقتصادی-اجتماعی و موانع کالبدی بوده است (خسرونی، ۱۳۸۸: ۳۶؛ سعیدی، ۱۳۷۳: ۵۱۱) و دارای نقش اساسی در راستای ثبات خانواده، رشد اقتصادی و اجتماعی آن، بالا بردن ضریب ایمنی افراد و خصوصاً ارتقای فرهنگی و آرامش روحی اعضای خانواده است (زیاری و زرافشان، ۱۳۸۵: ۹۱).

در میان متخصصین مختلف حوزه علوم انسانی دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به مسکن و ابعاد مختلف کارکردی آن وجود دارد به گونه‌ای که از دیدگاه اقتصادی نوعی "کالا و سرمایه"، از دیدگاه هنری نوعی "نماد"، از دیدگاه جامعه‌شناسانه "نهاد"، از دیدگاه مهندسی و معماری "بنا" یا ساختمان، از دیدگاه شهرسازی "فضا" و

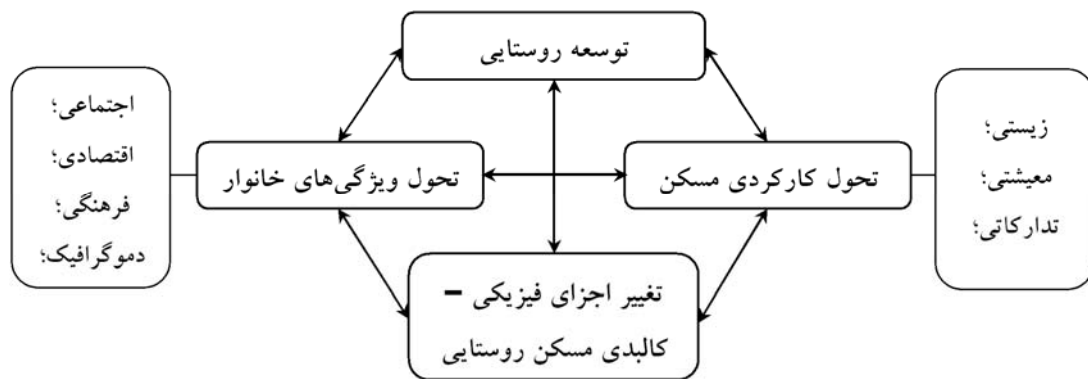
برای فعالیت اقتصادی (اشتغال و تولید) در زمینه کشاورزی و دامداری نیز محسوب می‌شود. انبار محصولات کشاورزی و فضای نگهداری دام، بخشی از واحدهای مسکونی در روستاهاست که مشابهتی محدود در شهرها دارد (بدری و موسوی، ۱۳۸۹: ۳؛ سرتیپی‌پور، ۱۳۸۹: ۱۰۶؛ پورطاهری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۲۰).

در عرصه‌های مختلف مکانی-فضایی، عوامل گوناگونی موجب ویژگی بخشی به مسکن روستایی می‌شود، برخی از این عوامل عبارت‌اند از سابقه اسکان و برپایی سکونتگاه؛ مناسبات و روابط اجتماعی-اقتصادی، شیوه زندگی (معیشت) و نوع فعالیت غالب، نوع و شکل خانواده‌ها و خانوارها، سنت‌های ساخت‌وساز و دسترسی به مواد و مصالح، امنیت و ضرورت حفاظت و دفاع و ارتباطات و دامنه روابط بیرونی سکونتگاه (مشیری و سعیدی، ۱۳۸۹: ۵).

مساکن روستایی در طول دوره‌های مختلف تحولات و دگرگونی‌هایی را در ابعاد گوناگون داشته است (توکلی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۸). پس از انقلاب اسلامی به جهت این که هم ایران کشوری حادثه‌خیز بوده و هم مساکن در مناطق روستایی که بخش قابل توجه از جمعیت کشور را در خود جای داده است، فرسوده و درصد آسیب‌پذیری آن‌ها بالا بوده، راهکارهایی در راستای تعدیل این چالش به کار گرفته شده است که از جمله آن می‌توان به اجرای طرح بهسازی مسکن روستایی از سال ۱۳۷۴ توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی اشاره داشت. اهم اهداف طرح مزبور به شرح مواردی چون احداث مسکن مقاوم و بادوام روستایی، تلاش در حفظ هویت معماری بومی مسکن روستایی، تأمین جنبه زیباشناسانه سیمای روستا، تأمین مسکن متناسب با نیاز روستایی، احداث مسکن سبز روستایی، تغییر فضای روستایی از محیطی غیر

بهداشتی، آسیب‌پذیر و رو به زوال به فضایی سرزنده، شاداب و جاذب و زیبا به لحاظ جلوگیری از مهاجرت، تطبیق کالبد مسکن روستایی با زندگی امروزی (احداث مسکن روستایی مطابق زندگی امروزی)، گذر از نگرش (تأمین سرپناه برای روستایی) به (تأمین مسکن برای روستایی)، ارتقای توسعه سکونتگاه‌های روستایی و تلاش در نزدیکی سطح بهره‌مندی از رفاهات شهرها و روستاها، تلاش در بهینه‌سازی مصرف انرژی در مسکن روستایی، افزایش قابلیت و سرعت اجرای طرح‌های کالبدی و عمرانی روستاها، تأمین بهداشت محیط روستایی با تولید مسکن روستایی بهداشتی (ارتقای سطح بهداشت در سکونتگاه‌های روستایی)، تلاش در به حداقل رساندن آثار مخرب تقلید کورکورانه از ظواهر شهری نامناسب در تولید مسکن روستایی، ایجاد تحرک در چرخه تولید مسکن روستایی و ترویج الگوهای منتخب و برجسته معماری روستایی به لحاظ فرم و جنبه‌های زیباشناختی سیمای روستا می‌باشد (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰).

اهداف پیش‌رو دارای همه جانبه‌نگری نسبی به فراخور ماهیت مسکن در فضای روستا است. اما آن چه که از اهمیت به سزایی برخوردار است، بررسی و ارزیابی تحقق اهداف در عرصه واقعیت فضایی است. در واقع با توجه به پیوند ناگسستنی و دوسویه میان مسکن و توسعه روستایی می‌توان انتظار داشت که با دگرگونی در هر یک، تبعاتی در دیگری پدید آید. تغییرات کالبدی مسکن به‌عنوان بُعدی اساسی، متأثر از تحول در کارکرد مسکن و دگرگونی در ویژگی‌های خانوار اعم از اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که در نهایت منجر به برآورده ساختن جزئی از اهداف توسعه کلان روستا می‌گردد. بر این اساس مدل مفهومی تحقیق به شرح نمودار شماره ۱ قابل ارائه است.



ن ۱. مدل مفهومی تحقیق.

روستاها و مساکن نمونه تحقیق تعیین گردید. در گام اول روستاهای آبیژ، آسفاد، فندخت و بهمن‌آباد (به‌عنوان روستاهایی که زلزله آسیب جدی را به مساکن آن‌ها وارد ساخته) تعیین و در این روستاها تعداد ۲۹۴ خانوار با کمک فرمول کوکران و به روش تصادفی به‌منظور تحقیق و بررسی انتخاب شدند. به‌منظور آنالیز داده‌های جمع‌آوری شده نیز از نرم‌افزار SPSS و آزمون T نمونه‌های وابسته استفاده شده است.

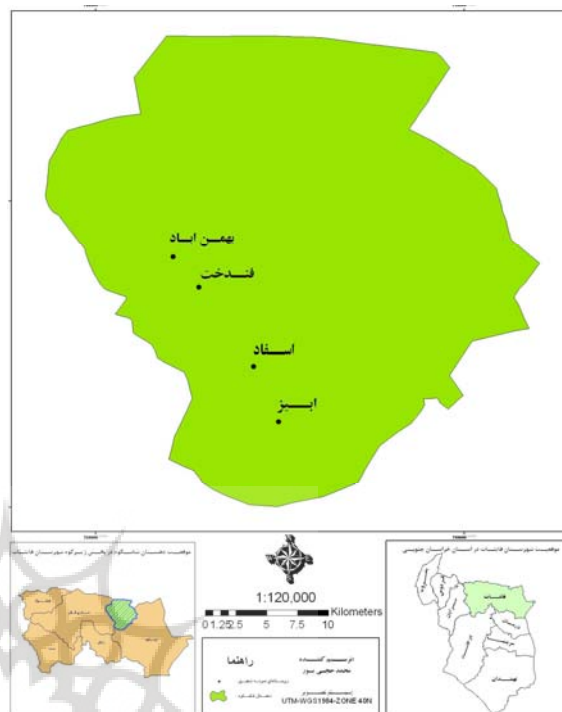
دهستان شاسکوه از توابع بخش زیرکوه شهرستان قاینات در استان خراسان جنوبی است که با وسعتی در حدود ۱۱۷۷ کیلومتر مربع ۱۸/۳ درصد از مساحت بخش و ۷/۲۳ درصد مساحت کل شهرستان را در بر گرفته است. در حدود ۶۴ درصد از مناطق روستایی این دهستان به‌لحاظ تیپولوژی دشتی و ۳۶ درصدشان پایکوه هستند (رمضانی‌اسفدن، ۱۳۸۷: ۹۳-۹۱). دهستان شاسکوه بر روی گسل کریزان^۲ که از روستای کریزان شهرستان قاینات تا روستای تخته‌جان شهرستان بیرجند امتداد یافته، قرار دارد. به موجب آن در سال ۱۳۷۶ زلزله‌ای با بزرگی ۷/۳ ریشتر رخ داد و حدود ۱۵۰۰۰ منزل مسکونی در منطقه بیرجند و قاین را آسیب‌زده و یا به کلی ویران ساخته است. در تصویر شماره ۱ موقعیت روستاهای

تاکنون مطالعات متعددی در ارتباط با مسکن روستایی در ایران صورت پذیرفته است که از جمله می‌توان به تحقیقات توکلی و همکاران (۱۳۸۸)، سعیدی و امینی (۱۳۸۹)، بدری و موسوی (۱۳۸۹) و بهرامی (۱۳۹۰) اشاره داشت. اما آن چه این تحقیق را از مطالعات گذشته متمایز می‌سازد، بررسی توأمان مقوله کالبد مسکن روستایی و کارکرد آن در دو زمان قبل و بعد از وقوع زلزله در بخشی از منطقه شرق کشور است.

روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر به‌لحاظ هدف کاربردی، از حیث ماهیت و روش توصیفی - تحلیلی و ژرفانگرانه است. به‌منظور گردآوری داده‌های مورد نیاز، مجموعه‌ای از تکنیک‌های اسنادی و میدانی استفاده شده است که در روش میدانی برای کسب اطلاع از تغییر و تحولات مساکن روستایی در ابعاد مورد بحث، به مصاحبه و تکمیل پرسش‌نامه از خانوارهای ناحیه مورد مطالعه پرداخته شده است. به‌لحاظ زمانی ویژگی‌های مساکن روستایی در دو مقطع پیش از زلزله ۱۳۷۶ و سال ۱۳۹۰ مورد بررسی واقع شده است. جامعه مورد مطالعه شامل ۱۶۹۷ خانوار روستایی مستقر در دهستان شاسکوه بوده (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵) که از میان آن‌ها با روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای،

نمونه تحقیق در دهستان مورد مطالعه نشان داده شده است.



کارگری و ۱ درصد مغازه‌داری حرفه اصلی آن‌ها بوده است. بعد خانوار در محدوده مورد مطالعه ۵/۱ می‌باشد.

تخصصیات	سطح	پیسواد	ابتدایی	راهمایی	دبیرستان	دانشگاه	شماره
تعداد	۱۳۱	۹۵	۲۸	۲۰	۲۰	۲۹۴	
درصد	۴۴/۵	۳۲/۴	۹/۵	۶/۸	۶/۸	۱۰۰	

ج ۱. وضعیت سواد در دهستان شاسکوه. منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰.

نوع شغل	زراعت	باغداری	دامداری	کارگری	مغازه‌داری	کارمندی	سایر	شماره
تعداد	۱۳۱	۲۸	۶۰	۸	۳	۳۶	۲۸	۲۹۴
درصد	۴۵	۱۰	۲۰	۳	۱	۱۲	۹	۱۰۰

ج ۲. شغل اصلی سرپرستان خانوار در دهستان شاسکوه. منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰.

ت ۱. موقعیت روستاهای نمونه تحقیق در دهستان شاسکوه.

یافته‌های توصیفی

مشخصات فردی جامعه مورد مطالعه

متوسط سنی سرپرستان خانوار در محدوده مورد مطالعه ۵۱ سال بوده که ۱۵ درصد (۴۴ نفر) زن و ۸۵ درصد (۲۵۰ نفر) مرد بوده‌اند. در حدود ۴۴/۵ درصد افراد پیسواد و ۵۵/۵ درصد باسواد هستند که در میان افراد باسواد بیشترین فراوانی با ۹۵ نفر (۳۲/۴ درصد) متعلق به مقطع ابتدایی می‌باشد (جدول شماره ۱). بررسی وضعیت شغل اصلی افراد مورد مطالعه حاکی از آن است (جدول شماره ۲) که به ترتیب ۴۵ درصد آنان فعالیت‌های زراعی، ۲۰ درصد فعالیت‌های دامداری، ۱۲ درصد کارمندی، ۱۰ درصد فعالیت‌های باغداری، ۹ درصد سایر (نظیر بنا، دلال، راننده و ...)، ۳ درصد

تغییرات کالبدی مسکن روستایی

مطالعات انجام گرفته در دهستان شاسکوه نشان داد (جدول شماره ۳) که مساحت مسکن روستایی از ۲۶۲/۳ مترمربع (پیش از زلزله) به ۲۷۳ مترمربع (پس از زلزله) افزایش یافته است. سطح زیربنای مسکن نیز از ۷۸/۷ مترمربع به ۸۰/۷ مترمربع افزایش داشته است. متوسط تعداد طبقات هر مسکن در هر دوره زمانی ۱ طبقه بوده اما بررسی‌ها حاکی از آن است که پس از زلزله تعداد مسکن ۲ طبقه‌ای از ۱۰/۸ درصد به ۲/۷ درصد کاهش یافته است و این شرایط عمدتاً متأثر از گران‌تر شدن هزینه‌های ساخت‌وساز نسبت به گذشته و توان مالی پایین خانوارهای روستایی می‌باشد.

ردیف	متغیر	پیش از زلزله				پس از زلزله			
		مساحت	حیاط	باغچه	انحراف معیار	مساحت	حیاط	باغچه	انحراف معیار
۱	مساحت منزل (به مترمربع)	۲۶۲/۳	۱۰۰	۵۰۰	۸۲/۳	۳۵۰	۱۰۰	۲۷۳	۴۶/۴
۲	سطح زیربنا (به مترمربع)	۷۸/۷	۴۰	۲۰۰	۳۵/۶	۳۰۰	۳۶	۸۰/۷	۴۰
۳	تعداد طبقات	۱	۱	۲	۰/۳۲	۲	۱	۱	۰/۱۶
۴	تعداد اتاق‌ها	۳	۱	۱۳	۲/۴	۷	۱	۲	۱/۳
۵	مساحت کل اتاق‌ها (به مترمربع)	۲۶/۶	۹	۱۴۴	۲۴/۶	۷۰	۱۲	۲۲/۶	۱۱/۴
۶	حیاط (به مترمربع)	۱۳۸/۳	۰	۲۶۰	۶۵/۹	۲۵۰	۶۰	۱۵۰/۵	۵۰/۹
۷	باغچه (به مترمربع)	۷/۵	۰	۴۰	۷/۴	۶۰	۰	۱۲/۳	۱۰/۵

ج ۳. روند تغییر شاخصه‌های فیزیکی در هر مسکن روستایی قبل و بعد از زلزله در دهستان شاسکوه.

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰.

بوده‌اند که پس از زلزله این رقم به صفر کاهش یافته و متوسط حیاط هر واحد مسکونی در روستا نیز از ۱۳۸/۳ متر به ۱۸۵/۵ متر افزایش یافته است که به نوعی مبین اهمیت یافتن فضای آزاد در منظر روستائیان می‌باشد. به لحاظ برخورداری از باغچه در فضای خانه، ۳۱/۹ درصد مسکن در پیش از زلزله فاقد باغچه بوده‌اند که این میزان هم اکنون به ۸/۳ درصد کاهش یافته و مساحت آن نیز از ۷/۵ متر به ۱۲/۳ متر در پس از زلزله افزایش داشته است. تلاش به منظور استفاده از منابع انرژی پایدار و دارای اثرات مخرب زیست محیطی کم، نظیر انرژی خورشیدی از جمله اهداف توسعه و به‌ویژه توسعه پایدار در فضاهای روستایی است که در بحث مسکن ارتباط مستقیمی با فیزیک و ساخت آن دارد. مطالعات نشان داد (جدول شماره ۴) که پیش از زلزله ۴۱/۱ درصد مسکن شمالی، ۳۳/۷ درصد جنوبی، ۱۹/۴ درصد شرقی و ۵/۸ درصد غربی بودند و با توجه به این که فضاهای داخلی

تعداد اتاق‌های هر واحد مسکونی نسبت به قبل کاهش داشته به طوری که متوسط تعداد اتاق‌ها از ۳ اتاق در هر مسکن به ۲ اتاق رسیده است. هم چنین به لحاظ نسبت مساحت اتاق به سطح زیربنا در هر واحد مسکونی، میزان آن از ۰/۳۴ به ۰/۲۸ کاهش یافته است. در واقع از آن جایی که پیش از زلزله فضاهایی هم چون حیاط و باغچه، حمام شخصی و در مواردی نیز آشپزخانه مجزا در ساختار فیزیکی منازل روستایی مورد مطالعه، بنا به دلایلی نظیر محدودیت فضایی جایگاه و نمودی نداشته، پس از زلزله با جابه‌جایی محل استقرار مسکن و تغییر الگوی ساختی منازل؛ رغبت در ایجاد فضاهای مذکور در ترکیب و ساختار مسکن روستایی به‌طور چشم‌گیری افزایش یافته است. از این رو است که با وجود افزایش مساحت کل منازل و سطح زیربنا، تعداد اتاق‌ها و مساحت آن کاهش نشان می‌دهد. در قبل ۶/۸ درصد از منازل فاقد حیاط (فضای آزاد)

منازل غربی و شرقی مدت کمتری را نسبت به خانه‌های شمالی و جنوبی در معرض نور آفتاب هستند، لذا می‌توان گفت در قبل به این نکته اساسی توجه کمتری گردیده است و پس از زلزله و احداث مساکن جدید، دانش مهندسی ساخت‌وساز اثر مطلوبی را در این زمینه بر جای گذاشته به طوری ۳۸/۴ درصد منازل شمالی، ۵۲ درصد جنوبی و ۹/۶ درصد شرقی ساخته شده‌اند یا به بیان دیگر، ساخت منازل با جهت شرقی و غربی به میزان قابل توجه در راستای بهره‌گیری از انرژی خورشید کاهش یافته است. هم چنین نسبت به گذشته، الگوی

موقعیت قرارگیری مساکن و شکل بافت روستایی از انتظام بهتری برخوردار گردیده است.

پس از زلزله در منطقه مورد مطالعه رشد چشم‌گیری در کیفیت مساکن (به لحاظ نوع مصالح به کار رفته شده) اتفاق افتاده است به گونه‌ای که (جدول شماره ۵) پیش از زلزله ۷۶/۸ درصد از مساکن خشت و گل بوده و این میزان در پس از زلزله به ۵/۸ درصد کاهش یافته است. البته از آن جایی که این منطقه بر روی گسل کریزان قرار دارد و همواره در معرض زلزله می‌باشد، این مقدار نیز وضعی اساسی و تهدیدی جدی به شمار می‌آید.

پس از زلزله				پیش از زلزله				جهت جغرافیایی فراوانی
آهن و آجر	خشت و گل	سنگ	خاک	آهن و آجر	خشت و گل	سنگ	خاک	
۰	۲۸	۱۵۳	۱۱۳	۱۷	۵۷	۹۹	۱۲۱	تعداد
۰	۹/۶	۵۲	۳۸/۴	۵/۸	۱۹/۴	۳۳/۷	۴۱/۱	درصد

ج ۴. تغییر موقعیت جغرافیایی ساخت مسکن روستایی در دهستان شاسکوه قبل و بعد از زلزله. منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰.

پس از زلزله		پیش از زلزله		نوع مصالح فراوانی
آهن و آجر	خشت و گل	آهن و آجر	خشت و گل	
۲۷۷	۱۷	۶۸	۲۲۶	تعداد
۹۴/۲	۵/۸	۲۳/۲	۷۶/۸	درصد

ج ۵. تغییر نوع مصالح مسکن روستایی در دهستان شاسکوه قبل و بعد از زلزله. منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰.

تحول فضاهای زیستی

فضاهای داخلی مسکن روستایی به‌طور عمده از سه کارکرد زیستی، معیشتی و تدارکاتی برخوردارند که با بررسی آن‌ها امکان تعیین گونه‌های مسکن و تبیین روند دگرگونی‌های مسکن وجود دارد (مشیری و سعیدی، ۱۳۸۹: ۲۵۵). در مسکن روستایی فضاهایی خاص کارکرد زیستی از قبیل آشپزخانه، اتاق پذیرایی، انباری و ... وجود دارد و مطالعات انجام گرفته در دهستان شاسکوه نشان داد (جدول شماره ۶) که در مجموع این مسکن، سطح برخورداری از امکانات و

پارامترهای زیستی در فضای خانه به‌طور عمده نسبت به پیش از زلزله کاهش یافته به‌طوری‌که تعداد ۵۱/۴ درصد از منازل در دوره قبل از زلزله دارای اتاق نشیمن زمستانی مجزا بوده‌اند که این میزان به ۳۶/۴ درصد در پس از زلزله کاهش یافته است. درصد برخورداری از پارامترهای دیگری هم چون اتاق نشیمن تابستانی مجزا از ۴۶ درصد به ۲۵/۵ درصد، اتاق پذیرایی از ۱/۴ درصد به ۴/۱ درصد و برخورداری از انبار آذوقه از ۵۵/۴ درصد به ۵۰ درصد در پس از زلزله کاهش یافته است.

ردیف	پارامتر	پیش از زلزله		پس از زلزله	
		منازل نابرخوردار	منازل برخوردار	منازل نابرخوردار	منازل برخوردار
۱	اتاق نشیمن زمستانی	تعداد	۱۴۳	۱۵۱	۱۸۷
		درصد	۴۸/۶	۵۱/۴	۳۶/۴
۲	اتاق نشیمن تابستانی	تعداد	۱۵۹	۱۳۵	۲۱۹
		درصد	۵۴	۴۶	۷۴/۵
۳	اتاق پذیرایی	تعداد	۴	۲۹۰	۱۲
		درصد	۱/۴	۹۸/۶	۴/۱
۴	انبار آذوقه	تعداد	۱۳۱	۱۶۳	۱۴۷
		درصد	۴۴/۶	۵۵/۴	۵۰
۵	تنورخانه (خانه تنوری)	تعداد	۱۴۷	۱۴۷	۱۱۵
		درصد	۵۰	۵۰	۳۹/۱
۶	آشپزخانه مجزا	تعداد	۸۷	۲۰۷	۸
		درصد	۲۹/۶	۷۰/۴	۲/۷
۷	حمام شخصی	تعداد	۱۲۳	۱۷۱	۲۰
		درصد	۴۱/۹	۵۸/۱	۶/۸

ج ۶. وضعیت فضاهای زیستی در مسکن دهستان شاسکوه قبل و بعد از زلزله. منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰.

سطح برخورداری از فضای آشپزخانه در مسکن روستایی منطقه مورد مطالعه به‌همراه حمام شخصی به

در این میان برخورداری از تنورخانه در سطح منازل از ۵۰ درصد به ۶۰/۲ درصد افزایش داشته است. همچنین

ترتیب از ۷۰ درصد و ۵۸/۱ درصد به ۹۷/۳ درصد و ۹۳/۲ درصد افزایش یافته که به طور عمده تحت تأثیر ارتقای سطح آگاهی روستائیان نسبت بهداشت و لزوم رعایت آن و در موارد بسیار کمی نیز، رقابت با سایر خانوارها بوده است. بررسی مساحت هر کدام از فضاهای زیستی در دو دوره زمانی قبل و بعد از زلزله مؤید آن است (جدول شماره ۷) که متوسط مساحت اختصاص یافته

به اتاق‌های پذیرایی از ۲۲/۴ مترمربع به ۲۸/۱ مترمربع، آشپزخانه از ۸/۵ مترمربع به ۱۱/۸ مترمربع و حمام از ۳/۳ مترمربع به ۴/۷ مترمربع افزایش یافته است. از طرفی نیز مساحت فضاهایی هم چون اتاق نشیمن زمستانی و تابستانی، انبار آذوقه و تنورخانه به ترتیب از ۶/۳ مترمربع، ۷/۳ مترمربع، ۷ مترمربع و ۴/۴ مترمربع به ۴/۵ مترمربع، ۴/۵ مترمربع، ۶/۳ مترمربع و ۲/۷ مترمربع تقلیل یافته است.

ردیف	نماگرهای آماری	پیش از زلزله			پس از زلزله		
		مربع	مربع	مربع	مربع	مربع	مربع
۱	اتاق نشیمن زمستانی	۶/۳	۰	۲۴	۴/۵	۰	۲۴
۲	اتاق نشیمن تابستانی	۷/۳	۰	۳۶	۴/۵	۰	۳۶
۳	مساحت کل اتاق‌های پذیرایی	۲۲/۴	۰	۵۰	۲۸/۱	۰	۷۵
۴	انبار آذوقه	۷	۰	۳۵	۷/۹	۰	۴۰
۵	تنورخانه (خانه تنوری)	۴/۴	۰	۱۵	۴/۳	۰	۲۴
۶	مساحت آشپزخانه مجزا	۸/۵	۰	۲۰	۶/۳	۰	۱۸
۷	مساحت حمام شخصی	۳/۳	۰	۲۴	۴/۶	۰	۲۴

ج ۷. روند تغییر فضاهای زیستی مسکن روستایی در دهستان شاسکوه قبل و بعد از زلزله. منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰.

تحول فضاهای معیشتی

مطالعه مسکن روستایی دهستان شاسکوه به لحاظ برخورداری از فضاهای معیشتی حاکی است (جدول شماره ۸) که برخورداری از اتاق تولید صنایع دستی یا به عبارت دیگر اتاق قالی‌بافی، در مجموع از ۲۰/۴ درصد به ۱۳/۶ درصد کاهش یافته است. برخورداری از سایر فضاهای معیشتی شامل انبار وسایل کار، بهاربندی، مرغداری و آغل نیز به ترتیب از ۳۳/۷ درصد، ۴۴/۶ درصد، ۲۳/۱ درصد و ۵۵/۵ درصد به ۳۲/۳ درصد، ۴۳/۲ درصد، ۱۶/۳ درصد و ۴۸/۶ درصد کاهش یافته است.

تنها برخورداری از طویله در میان مسکن مورد مطالعه از ۲۸/۲ درصد به ۲۹/۶ درصد افزایش داشته است. مطالعه مساحت هر کدام از فضاهای معیشتی در سطح مسکن روستاهای در دهستان شاسکوه نشان می‌دهد (جدول شماره ۹) که متوسط مساحت اتاق قالی‌بافی در سطح منازل که از این فضا برخوردار بوده‌اند از ۲/۶ مترمربع به ۱/۴ مترمربع، انبار وسایل کار از ۶/۱ مترمربع به ۴/۲ مترمربع، مرغداری از ۱/۴ مترمربع به ۱ مترمربع و طویله از ۴ مترمربع به ۱/۹ مترمربع کاهش داشته‌اند. در

مقابل مساحت فضای مربوط به نگهداری گاو (بهاربندی) از ۱۴ مترمربع به ۱۷ مترمربع افزایش یافته است.

ردیف	پارامتر	پیش از زلزله		پس از زلزله	
		منازل نابرخوردار	منازل برخوردار	منازل نابرخوردار	منازل برخوردار
۱	اتاق قالبی (اتاق تولید صنایع دستی)	تعداد	۲۳۴	۶۰	۲۵۴
		درصد	۷۹/۶	۲۰/۴	۸۶/۴
۲	انبار وسایل کار	تعداد	۱۹۵	۹۹	۱۹۹
		درصد	۶۶/۳	۳۳/۷	۶۷/۷
۳	بهاربندی (محل نگهداری گاو)	تعداد	۱۶۳	۱۳۱	۱۶۷
		درصد	۵۵/۴	۴۴/۶	۵۶/۸
۴	مرغداری	تعداد	۲۲۶	۶۸	۲۴۶
		درصد	۷۶/۹	۲۳/۱	۸۳/۷
۵	طویله	تعداد	۲۱۱	۸۳	۲۰۷
		درصد	۷۱/۸	۲۸/۲	۷۰/۴
۶	آغل	تعداد	۱۳۱	۱۶۳	۱۵۱
		درصد	۴۴/۵	۵۵/۵	۵۱/۴

ج ۸. وضعیت برخورداری و نا برخورداری منازل از فضاهای معیشتی در دهستان شاسکوه قبل و بعد از زلزله.

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰.

ردیف	نماگرهای آماری	پیش از زلزله				پس از زلزله			
		تعداد	درصد	انحراف معیار	نسبت	تعداد	درصد	انحراف معیار	نسبت
۱	اتاق قالبی (اتاق تولید صنایع دستی)	۲۳۴	۷۹/۶	۰	۲۵۴	۸۶/۴	۰	۱/۴	۵/۷
۲	انبار وسایل کار	۱۹۵	۶۶/۳	۰	۱۹۹	۶۷/۷	۰	۴/۲	۱۳/۴
۳	بهاربندی (محل نگهداری گاو)	۱۶۳	۵۵/۴	۰	۱۶۷	۵۶/۸	۰	۱۷	۳۴/۳
۴	مرغداری	۲۲۶	۷۶/۹	۰	۲۴۶	۸۳/۷	۰	۱	۲/۹
۵	طویله	۲۱۱	۷۱/۸	۰	۲۰۷	۷۰/۴	۰	۱/۹	۱۱/۴
۶	آغل	۱۳۱	۴۴/۵	۰	۱۵۱	۵۱/۴	۰	۱۰/۱	۱۱/۱

ج ۹. تغییر فضاهای معیشتی مسکن روستایی در دهستان شاسکوه قبل و بعد از زلزله.

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰.

تحول فضاهای تدارکاتی

فضاهای تدارکاتی را می‌توان زیرمجموعه فضاهای معیشتی دانست چرا که نقش اصلی این فضاها در ساختار مسکن روستایی، پشتیبانی از فعالیت‌های اقتصادی - معیشتی است. اما به جهت این که نقش مستقیمی در معیشت خانوار ندارند، در مقاله حاضر به گونه‌ای جدا بحث شده است. مطالعات در این زمینه نشان داد (جدول شماره ۱۰) که در مجموع مسکن روستایی در دهستان

شاسکوه، میزان برخورداری از فضاهای تدارکاتی ثابت بوده و حتی درصد برخورداری از انبار علوفه به‌عنوان بخشی از فضای تدارکاتی از ۴۲/۲ درصد به ۴۳/۲ درصد افزایش یافته است. هم چنین بررسی‌ها حاکی از آن است (جدول شماره ۱۱) که مساحت انبار علوفه و کاهدان به ترتیب از ۶/۳ مترمربع و ۹/۴ مترمربع به ۶/۶ مترمربع و ۱۱/۳ مترمربع افزایش یافته و تنها انبار محصولات تولیدی از ۳/۱ مترمربع به ۲/۸ مترمربع کاهش داشته است.

ردیف	پارامتر	پیش از زلزله		پس از زلزله	
		منزل نابرخوردار	منزل برخوردار	منزل نابرخوردار	منزل برخوردار
۱	انبار علوفه	تعداد	۱۷۰	۱۲۴	۱۶۷
		درصد	۵۷/۸	۴۲/۲	۵۶/۸
۲	انبار محصولات تولیدی	تعداد	۲۲۳	۷۱	۲۲۳
		درصد	۷۵/۹	۲۴/۱	۷۵/۹
۳	کاهدان	تعداد	۱۳۵	۱۵۹	۱۳۵
		درصد	۴۵/۹	۵۴/۱	۴۵/۹

ج ۱۰. وضعیت برخورداری و نابرخورداری منازل از فضاهای تدارکاتی در دهستان شاسکوه قبل و بعد از زلزله. منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰.

ردیف	متغیر (به مترمربع)	نماگرهای آماری						
		پیش از زلزله			پس از زلزله			
		میانگین	حداقل	حداکثر	میانگین	حداقل	حداکثر	انحراف معیار
۱	انبار علوفه	۶/۳	۰	۵۰	۹/۵	۰	۵۰	۹/۹
۲	انبار محصولات تولیدی	۳/۱	۰	۳۰	۶/۲	۰	۳۰	۶/۲
۳	کاهدان	۹/۴	۰	۵۰	۱۱/۱	۰	۱۱/۳	۲۲/۸

ج ۱۱. روند تغییر فضاهای تدارکاتی مسکن روستایی در دهستان شاسکوه قبل و بعد از زلزله. منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰.

یافته‌های استنباطی

بررسی تغییرات کالبدی مساکن روستایی نسبت به قبل از زلزله در دهستان شاسکوه حاکی از عدم تفاوت معنادار میان ویژگی‌های کالبدی مساکن روستایی قبل و بعد از زلزله در محدوده مورد مطالعه است چرا که طبق جدول شماره ۱۲ سطح معنادار به دست آمده ۰/۲۴۵ بوده و این مقدار بیشتر از ۰/۰۵ است. بدین سان می‌توان گفت از حیث کالبدی مساکن روستایی نسبت به قبل از زلزله تغییر معناداری نداشته است. به منظور تعیین الگوی کارکردی مساکن روستایی در

قبل و بعد از زلزله، از سه شاخص نسبت فضاهای زیستی، معیشتی و تدارکاتی استفاده شده است و بررسی‌ها نشان داد (جدول شماره ۱۳) که الگوی کارکردی مساکن روستایی در هر دو دوره به ترتیب زیستی، معیشتی و تدارکاتی بوده است. در واقع دو شاخص کارکرد زیستی و تدارکاتی مساکن روستایی نسبت به قبل از زلزله به ترتیب از ۲۲/۵ درصد و ۷/۲ درصد به ۲۳ درصد و ۷/۶ درصد افزایش کمی داشته‌اند. در مقابل شاخص کارکرد معیشتی مساکن روستایی از ۱۴/۶ درصد به ۱۳ درصد تنزل یافته است.

متغیر	میانگین	مقدار آماره آزمون T	درجه آزادی (df)	سطح معناداری (sig)
ویژگی‌های کالبدی مساکن روستایی پس از زلزله	۵۲۹/۷۸	-۱/۱۷۳	۲۹۳	۰/۲۴۵
ویژگی‌های کالبدی مساکن روستایی پیش از زلزله	۵۵۱/۸۹			

ج ۱۲. نتایج آزمون T نمونه‌های وابسته مربوط به پرسش اول تحقیق.

شاخص	دوره زمانی		
	پیش از زلزله	پس از زلزله	
۱	نسبت فضاهای زیستی در هر واحد مسکونی	۲۲/۵٪	۲۳٪
۲	نسبت فضاهای معیشتی در هر واحد مسکونی	۱۴/۶٪	۱۳٪
۳	نسبت فضاهای تدارکاتی در هر واحد مسکونی	۷/۲٪	۷/۶٪

ج ۱۳. مقایسه شاخص‌های کارکردی مساکن روستایی در دهستان شاسکوه مربوط به پرسش دوم تحقیق.

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰.

نتیجه

تأمین مسکن مناسب به عنوان یکی از نیازهای اساسی همواره از مهم ترین دغدغه‌ها و دلمشغولی‌های انسان بوده است. این نیاز حیاتی در فضاها و روستایی علاوه بر کارکرد زیستی دارای نقش و جایگاه معیشتی است. به بیان دیگر، علاوه بر این که مأوای مطمئنی برای سکونت است، بخشی از فضای ضروری برای فعالیت اقتصادی (اشتغال و تولید) در زمینه کشاورزی، دامداری و ... نیز به شمار می‌آید. از این رو ارتباط و پیوند ناگسستنی میان مسکن در سکونتگاه‌های روستایی با عمران و توسعه این مناطق قابل تشخیص است. در واقع مسکن هم عامل و هم معلول تحولات ناشی از توسعه می‌باشد و از زمینه‌های قابل سنجش و مهم، تغییر در ابعاد فیزیکی و هم چنین الگوی کارکردی مسکن روستایی می‌باشد. در مقاله حاضر تلاش شده تا تغییرات ابعاد کالبدی مسکن روستایی و تحول در الگوی کارکردی آن‌ها در دهستان شاسکوه پس از زلزله ۱۳۷۶ مورد بررسی قرار گیرد.

مطالعات حاکی از آن است که مساحت منازل در روستاهای مورد مطالعه به همراه سطح زیربنا افزایش یافته است. تراکم تعداد طبقات در هر واحد مسکونی در هر دو دوره زمانی ۱ بوده اما در مجموع منازل ۲ طبقه‌ای از ۱۰/۸ درصد به ۲/۷ درصد کاهش یافته که عمدتاً ناشی از افزایش هزینه ساخت و ساز نسبت به قبل و هم چنین توان مالی پایین خانوارهای روستایی می‌باشد. با وجود افزایش مساحت و سطح زیربنای مسکن به سبب گرایش به ساخت فضاها و جدیدی هم چون حمام شخصی و آشپزخانه نسبت به قبل از زلزله در ساختار و ترکیب منازل روستایی در محدوده مورد بررسی، تعداد و نسبت مساحت اتاق‌ها به سطح زیربنای ساختمان‌های روستایی کاهش داشته‌اند. در مقابل به دلیل اهمیت یافتن

فضای آزاد در ساختار منازل از سوی روستائیان، متوسط مساحت حیاط منازل و باغچه آن افزایش یافته است. از دیگر تغییرات فیزیکی حادث شده در مسکن نسبت به قبل از زلزله، توجه به امر نورگیری و استفاده از انرژی پایدار خورشیدی می‌باشد. به طوری که درصد زیادی از خانه‌هایی که دارای جهت شرقی و یا غربی بوده‌اند، به صورت شمالی و جنوبی بازسازی شده‌اند که این امر به بهبود انتظام ساختار فضایی مسکن در سکونتگاه‌های روستایی مورد مطالعه انجامیده است.

به لحاظ برخورداری از فضاها و زیستی در میان مسکن مورد مطالعه، درصد برخورداری از فضاها و زیستی هم چون اتاق نشیمن زمستانی و تابستانی، اتاق پذیرایی و انبار آذوقه کاهش یافته اما در مقابل به سبب افزایش درک و آگاه خانوارها نسبت به مسائل بهداشتی و لزوم رعایت آن، درصد برخورداری از تنورخانه، آشپزخانه و حمام شخصی در میان مسکن افزایش داشته است. مساحت فضاها و زیستی نظیر اتاق پذیرایی، آشپزخانه و حمام در هر واحد مسکونی افزایش و مساحت فضاها و زیستی همانند اتاق زمستانی و تابستانی، انبار آذوقه و تنورخانه در هر واحد مسکونی نسبت به قبل کاهش داشته‌اند.

بررسی فضاها و زیستی گویای این است که هم درصد برخورداری مسکن از فضاها و زیستی هم چون اتاق قالی‌بافی (محل تولید صنایع دستی)، انبار وسایل کار، بهاربندی، مرغداری، آغل، طویله و هم مساحت این فضاها در هر واحد مسکونی کاهش یافته و تنها در این میان مساحت فضای تخصیص یافته به بهاربندی در هر واحد مسکونی افزایش داشته است. یکی از دلایل کاهش فضای تولید صنایع دستی که در دهستان مورد مطالعه صنعت قالی‌بافی، صنعت عمده آن است، ناشی از رکود قالی‌بافی در سطح ملی و به تبع آن در محدوده مورد بررسی بوده و عمدتاً متأثر از عدم صرفه اقتصادی تولید

- بهرامی، رحمت... (۱۳۹۰). تحلیلی بر وضعیت مسکن روستایی در استان کرمانشاه، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۴، صص ۹۵-۱۰۴.

- پورطاهری، مهدی؛ افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین؛ نیکبخت، منصوره (۱۳۹۰). اثرات تغییرات فرهنگی بر الگوی مسکن روستایی نمونه موردی: روستاهای بخش مرکزی شهرستان قزوین، فصلنامه فضای جغرافیایی، شماره ۳۵، صص ۱۱۵-۱۳۴.

- پورمحمدی، محمدرضا. (۱۳۷۹)، برنامه‌ریزی مسکن، تهران: سمت.

- توکلی، مرتضی؛ فاضل‌نیا، غریب؛ سید شرافت، امان‌گلدی (۱۳۸۸). بررسی تحول معماری مسکن روستایی و تدوین الگوی بهینه مطالعه موردی: شهرستان آق‌قلا، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۲۷، صص ۱۴-۳۲.

- جمعه‌پور، محمود. (۱۳۸۷)، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی: دیدگاه‌ها و روش‌ها، انتشارات سمت.

- خسرونیا، مرتضی (۱۳۸۸). ارزیابی رویکردهای مختلف پیرامون شکل‌گیری مسکن روستایی، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۲۷، صص ۳۲-۴۳.

- دلال‌پورمحمدی، محمدرضا. (۱۳۷۹)، برنامه‌ریزی مسکن، تهران: انتشارات سمت.

- رضانی‌اسفدن، اسد... (۱۳۸۷)، عوامل موثر بر مهاجرت‌های روستایی در دهستان شاسکوه شهرستان قاین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد.

- رهنمایی، محمدتقی. (۱۳۸۲)، مجموعه مباحث و روش‌های شهرسازی، تهران: مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن وزارت مسکن و شهرسازی.

- زیاری، کرامت‌اله و زرافشان، عطا... (۱۳۸۵). بررسی تغییرات کمی و کیفی مسکن در شهر مراغه و پیش‌بینی مسکن مورد نیاز تا سال ۱۴۰۲، فصلنامه جغرافیا و توسعه، پاییز و زمستان، صص ۸۵-۱۰۵.

- سرتیپی‌پور، محسن. (۱۳۸۹)، ارزیابی و تحلیل مسکن روستایی استان سیستان و بلوچستان و پیشنهاد جهت‌گیری آتی، فصلنامه جغرافیا، شماره ۲۷، صص ۹۵-۱۳۶.

- سرتیپی‌پور، محسن. (۱۳۹۰)، پدیدارشناسی مسکن روستایی،

فرش، کمبود کارگر و مشکلات بازاریابی می‌باشد. از آن جا که در میان فضاهاهی که از کارکرد تدارکاتی نیز برخوردارند مساحت انبار علوفه و کاهدان در هر واحد مسکونی افزایش یافته است می‌توان نتیجه گرفت که کارکرد معیشتی با تأکید بر فعالیت‌های بخش دامداری در جامعه مورد مطالعه غلبه دارد.

در مجموع تفاوت معناداری در خصوصیات کالبدی مسکن روستایی در دهستان شاسکوه نسبت به قبل از زلزله حادث نشده است و الگوی کارکردی مسکن نیز بر پایه همان ساختار پیشین یعنی زیستی، معیشتی و تدارکاتی ماست. از این رو پیشنهاد می‌گردد در طرح‌هایی که به منظور نوسازی و بازسازی مسکن روستایی انجام می‌پذیرد، در الگوی اولیه ساخت، تخصیص فضاهاهی مناسب برای هر سه زمینه زیستی، معیشتی و تدارکاتی مدنظر باشد و هم چنین میزان و مساحت هر کدام از این فضاها نیز بسته به نیاز و نظر خانوار تأمین گردد.

پی‌نوشت

1. basic needs
2. Korizan

فهرست منابع

- آسایش، حسین. (۱۳۸۶)، برنامه‌ریزی روستایی در ایران. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

- اهری، زهرا و دیگران. (۱۳۶۷)، مسکن حداقل، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن وزارت مسکن و شهرسازی. تهران.

- بدری، سیدعلی؛ موسوی، سیروس (۱۳۸۹). تحلیلی بر روند تغییرات برخی ویژگی‌های مسکن روستایی در ایران، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام، زاهدان.

- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. (۱۳۹۰)، طرح ویژه بهسازی مسکن روستایی، از سایت:

<http://www.bonyadmaskan.com/portal/Home/Default.aspx?CategoryID=98500127-dc09-400a-80a7-b07df5db1c76>

- فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۳، صص ۱۴-۳.
- سعیدی، عباس. (۱۳۷۳)، الزامات اجتماعی - اقتصادی در ساخت و ساز مسکن روستایی. مجموعه مقالات سمینار سیاست‌های توسعه مسکن در ایران، سازمان ملی زمین و مسکن.
- سعیدی، عباس؛ امینی، فریبا. (۱۳۸۹)، ناپایداری سکونتگاه و تحول کارکردی مسکن روستائی: مورد روستای خفر، فصلنامه جغرافیا، سال هشتم، شماره ۲۷، صص ۲۹-۴۳.
- عنابستانی، علی‌اکبر. (۱۳۹۰)، بررسی آثار فعالیت‌های اقتصادی بر الگوهای مسکن روستایی مطالعه موردی: روستاهای خراسان رضوی. دو ماهنامه پیام مهندس، شماره ۵۲، صص ۱۱۱-۱۰۱.
- فاضلی، نعمت‌الله. (۱۳۸۶)، مدرنیته و مسکن، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۱.
- مخبر، عباس. (۱۳۶۳)، ابعاد اجتماعی مسکن. تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۸۵)، نتایج کلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن، از سایت:
<http://www.amar.org.ir//>
- مشیری، محمدرشید و سعیدی، عباس. (۱۳۸۹)، الگوها و روش‌های آماده‌سازی اراضی روستایی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- Ashok K, D & Anna Achmatowicz-Otok & Anupa Mukhopadhyay & Maurice C. Carney. (1992), Urban and rural housing characteristics of Poland, Journal of Landscape and Urban Planning, vol 22, p 153- 212.
- Dix, G. (1995), the place of shelter in National Development, Edited by S.M Romaya. pp: 1-10.
- Gallent, N. (2009), Housing, Rural, Journal of International Encyclopedia of Human Geography, vol 7, pp 207- 212.
- Gallent, N & Tewdwr Jones, M. (2003), Housing in the European Countryside; Rural pressure and policy in Western Europe, by: Routledge.
- Milbourn, P & Cloke, p. (2006), International perspectives on rural homelessness, by: Routledge.
- K napp, I. (1982), "Housing problems in third world", University of Stuttgart.